

# صلاحیت دادگاه ویژه سنگال: مزیت روش «کپی و الحاق» در اساسنامه نویسی<sup>۱</sup>

احمد رضا توحیدی<sup>۲</sup>

محمد ستایش پور<sup>۳</sup>

## چکیده

صلاحیت شخصی دادگاه ویژه سنگال که در سال ۲۰۱۳ میلادی تأسیس شد، تنها معطوف به حین هابره و هم‌دستان وی است و اتحادیه‌ی آفریقا و سنگال در تنظیم اساسنامه‌ی این دادگاه تحت تأثیر دیگر محاکم بین‌المللی کیفری بوده است. مقاله‌ی حاضر ضمن تدقیق در صلاحیت‌های دادگاه ویژه سنگال، نشان می‌دهد که در اساسنامه‌نویسی این دادگاه، از روش «کپی و الحاق» استفاده شده است. کاربست این معیار، بایسته‌ی وحدت رویه‌ی قضایی و تقنین در جامعه‌ی بین‌المللی است تا بتواند تا اندازه‌ای خلاء نبود قوه‌ی واحد مقننه در گستره‌ی فراسرزمینی را برطرف سازد؛ اما این روش نباید به مثابه «این‌همانی» قضایا گردد؛ چه در غیر این صورت، به ایستایی حقوق خواهد انجامید. اساسنامه‌ی دادگاه مطروح که برآمد تعامل حقوق داخلی و بین‌المللی است و با این رویکرد تنظیم شده، تحسین برانگیز است.

**واژگان کلیدی:** دادگاه ویژه سنگال، صلاحیت ذاتی، صلاحیت شخصی، صلاحیت زمانی، صلاحیت مکانی، متد کپی و الحاق.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۶/۹/۵، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۶/۱۲/۲.

۲. دکتری حقوق بین‌الملل، استادیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه قم، نویسنده‌ی مسؤول:

Tohdi2004@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه قم.

## درآمد

دادگاه ویژه سنگال به منظور محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات فجیعی که در زمان ریاست جمهوری حیسن هابره در چاد ارتکاب یافته، تأسیس شده و مقر آن در داکار است (Williams, 2013: 1139). توافق‌نامه‌ی اتحادیه‌ی آفریقا با سنگال به عنوان کشوری که حیسن هابره متهم ردیف اول ارتکاب این جرایم در آن یافت شده است، اساس‌نامه‌ی دادگاه مطروح دانسته می‌شود (Fall, 2014: 117). در تقسیم‌بندی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، این دادگاه را در زمره‌ی نسل سوم از این دسته‌بندی‌ها، یعنی محاکم مختلط یا ملی - بین‌المللی قرار داده‌اند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۹۰).

در مقایسه با دیگر مراجع قضایی بین‌المللی کیفری، کمتر به دادگاه ویژه سنگال پرداخته شده است که البته تا اندازه‌ای به جهت نو بودن آن است. منظور از صلاحیت دادگاه ویژه سنگال موسوم به شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی که از آن به شعب فوق‌العاده‌ی سنگال نیز یاد شده<sup>۱</sup>، صلاحیتی است که در حقوق بین‌الملل کیفری مطمح نظر واقع می‌شود و نه حقوق جزای بین‌الملل (O'Keefe, 2015: 299)؛ چرا که صلاحیت این مرجع قضایی را صلاحیت بین‌المللی دانسته‌اند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۹۰؛ Moura Vicente, 2016: 111) و در ارجاع پرونده به هر دادگاه واجد صلاحیت بین‌المللی و مطالعه‌ی آن، ضروری است که چهار قسم صلاحیت شامل ذاتی، شخصی، مکانی و زمانی مورد نظر قرار گیرد. این چهار نوع صلاحیت، هم‌چون مجموعه‌ای در هم تنیده‌اند که تقدم و تأخر نداشته و نسبت به یکدیگر رجحان ندارند. بدین روی، در صورت فقد هر یک از این چهار صلاحیت، دادگاه قادر به رسیدگی نخواهد بود (see: Goss, 2016)؛ چرا که از حقوق متهم است که به اتهامش در دادگاهی واجد صلاحیت رسیدگی شود. مقاله‌ی حاضر در صدد است با تحلیل چارچوب صلاحیتی دادگاه ویژه سنگال در مدار دیگر محاکم بین‌المللی کیفری و به ویژه دیوان بین‌المللی کیفری، به رویکرد «کپی و الحاق» در زمینه‌ی حقوق بین‌الملل کیفری بپردازد؛ امری که پیش‌تر در زمینه‌ی آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل بدان پرداخته شده است؛

۱. بنگرید به: معظمی و نامیان، ۱۳۹۴: ۱۱۳؛ رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۸۹.

لیکن مطالعه‌ی چند و چون کاربست آن در حیطه‌ی حقوق بین‌الملل کیفری، امری نو محسوب می‌شود. پرداختن به این صلاحیت‌ها راه را برای ایضاح حیطه‌ی کاری دادگاه ویژه سنگال که به واسطه‌ی تازه تأسیس بودن، تاکنون رأی نهایی به اجرا نگذاشته است، میسر می‌سازد.

### ۱. صلاحیت موضوعی

صلاحیت ذاتی قضایی باید مطابق با اصل قانونی بودن بودن باشد و در غیر این صورت، نه تنها هم سو با حقوق بین‌الملل نیست؛ بلکه در مغایرت با آن و به طور خاص نقض حقوق بشر متهم دانسته می‌شود. صلاحیت ذاتی که بدان صلاحیت موضوعی (رضوی فرد، ۱۳۹۰: ۷۷) و مادی نیز اطلاق می‌شود، ناظر بر موضوعاتی است که به لحاظ ماهوی داخل در صلاحیت رسیدگی از سوی مرجع قضایی است. دادگاه تنها می‌تواند به آن دسته از موضوعاتی که در سند تأسیس آن آمده است رسیدگی کند (ICJ Reports, 2015: 41). این مطلب مغایر اختیار دیوان به تفسیر اساس‌نامه و مفاد مربوط به آن و از جمله مقررات مرتبط با صلاحیت ذاتی نمی‌باشد (Stahn, 2014: 466)؛ چرا که به موجب حقوق سازمان‌های بین‌المللی، مرجع قضایی از صلاحیت تفسیر اساس‌نامه که سند تأسیس آن دانسته می‌شود برخوردار است (Popa, 2018: 81-82). در این راه، هر دادگاهی می‌تواند سازکار خاص خود را اتخاذ نماید ولی آن چه که مرسوم است و در صورت سکوت اساس‌نامه قابلیت اعمال دارد، تفسیر اساس‌نامه از سوی قضاات دادگاه به صورت اکثریت مطلق است. در اساس‌نامه‌ی برخی دادگاه‌ها از جمله دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق<sup>۱</sup>، از جمله و به ویژه در قضیه‌ی فوروندزیجا<sup>۲</sup> با استناد به کرامت انسانی مندرج در ماده‌ی ۳ اساس‌نامه‌ی دادگاه پیش‌گفته<sup>۳</sup> به مواردی که صریحاً در صلاحیت شخصی دیوان نبود هم حکم

1. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)

2. Furundzija (ICTY Judgment, IT-95-17/1-T, 1998: para. 62)

3. ICTY, Updated Statute, 2009: Art. 3, Available at [http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/Statute/statute\\_sept09\\_en.pdf](http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/Statute/statute_sept09_en.pdf)

داده شده است (Weatherall, 2015: 65). در واقع اقداماتی که به صورت موردی در صلاحیت دیوان نبوده، به عنوان نقض کرامت انسانی مورد حکم قرار گرفت؛ این در حالی است که پیش‌تر کرامت انسانی به مثابه روح حاکم بر این موارد دانسته می‌شد و نه جرمی مستقل. از این روست که در اساس‌نامه‌نویسی، افزون بر این که به وضعیت‌های داخل در دامنه‌ی صلاحیت ذاتی مرجع قضایی مطروح به صورت مورد به مورد تصریح می‌شود، به مواردی کلی هم اشاره می‌شود تا راه برای تفسیر در آینده از سوی دیوان تأسیسی باز باشد. البته اصل قانونی بودن<sup>۱</sup> جرم و مجازات (Husak, 2010: 223) اقتضا دارد که صلاحیت ذاتی نظیر دیگر صلاحیت‌های هر محکمه‌ای از پیش روشن و مشخص باشد (Werle and Jessberger, 2014: 39). به موجب موافقت‌نامه‌ی اتحادیه‌ی آفریقا و سنگال در خصوص تأسیس دادگاه ویژه سنگال که با لازم‌الاجرا شدن آن، اساس‌نامه‌ی این دادگاه قلمداد می‌شود<sup>۲</sup> (بنگرید به: معظمی و نامی، ۱۳۹۴: ۱۲۲؛ Adjovi, 2013: 1035-1036)، جرایم و نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل عرفی و کنوانسیون‌های بین‌المللی که از سوی چاد به تصویب رسیده است، متضمن صلاحیت ذاتی دادگاه پیش‌گفته است.

اساس‌نامه در بند ۲ از ماده‌ی ۳ اضافه می‌کند که شعب فوق‌العاده‌ی سنگال صلاحیت رسیدگی به شدیدترین جنایات را دارند. در این راستا بلافاصله در ماده‌ی ۴ به احصاء جرایم داخل در صلاحیت دادگاه ویژه سنگال شامل نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و شکنجه پرداخته شده است. با توجه به سیاق و عبارت‌پردازی بند ۲ ماده‌ی ۳ از اساس‌نامه‌ی این مرجع قضایی، به روشنی قابل برداشت است که ذکر این جرایم تنها از باب تمثیل است. عبارت‌پردازی مواد پیش‌گفته نشان از آن دارد که تدوین کنندگان اساس‌نامه در ماده‌ی ۴ تنها در صدد ذکر برخی از مهم‌ترین جرایم تحت صلاحیت این دادگاه بوده‌اند و نه حصر آن (Dixon et. al., 2016: 306). این احصاء بیشتر متأثر از اساس‌نامه‌ی رم (۱۹۹۸)<sup>۳</sup>

1. Principle of Legality (Nullum Crimen Sine Lege)

2. Statute of the Extraordinary African Chambers, Art. 3

3. Available at: <https://www.icc-cpi.int/nr/rdonlyres/ea9aeff7-5752-4f84-be94->

صورت گرفته است (ICC Statute, 1998). بنابراین در اساس‌نامه‌ی دادگاه ویژه سنغال هم از روش یا به تعبیری ترفند مذکور در اساس‌نامه‌نویسی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری استفاده شده است؛ بدین معنا که افزون بر ذکر مورد به مورد وضعیت‌های داخل در دامنه‌ی صلاحیت ذاتی دادگاه، بیشتر به موازین کلی اشاره شده است. در دادگاه‌های کوزوو و بوسنی نیز بحث نقض حقوق داخلی به عنوان موارد داخل در صلاحیت این مراجع قضایی آمده بود (Krieger, 2001: 541). دادگاه کوزوو به رغم آن که صلاحیت بین‌المللی داشت، اما فلسفه‌ی تأسیس آن، تربیت قضات و کمک به نظام قضایی داخلی کوزوو بود و به همین جهت، مسائل دارای اهمیت کم‌تر از سوی دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، برای رسیدگی به دادگاه کوزوو ارجاع می‌گردید (Cryer, 2010: 188-190). در نهایت، دادگاه کوزوو تبدیل به یک دادگاه کاملاً داخلی شد. فلسفه‌ی تأسیس دادگاه بوسنی نیز که بعضاً در زمره‌ی محاکم بین‌المللی کیفری نسل سوم آورده شده است، تربیت قضات داخلی و کمک به نظام قضایی داخلی بوسنی بود. این دادگاه که از سال ۲۰۰۵ میلادی شروع به فعالیت نمود، تنها پس از پنج سال که با کمک دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق کار می‌کرد، از سال ۲۰۱۰ به یک دادگاه کاملاً داخلی تبدیل شده است (Darcy and Powderly, 2010: 382). این امر در رویه‌ی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق نیز وجود دارد که قضات این دادگاه، نقض کرامت انسانی را جرمی مستقل دانسته و با استناد به آن حکم داده‌اند. این دیوان بارها در آرائی که صادر کرده، اهانت به کرامت انسانی را به عنوان جرم شناسایی نموده است.

شعب مختلف دیوان اعم از بدوی و استیناف در این راستا، بر ماده‌ی ۳ اساس‌نامه‌ی دیوان تکیه کرده و با استناد به ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، آن را مغایر با قواعد و عرف‌های جنگ دانسته و لذا جرم اهانت به کرامت انسانی را در زمره‌ی جرایم شدید قلمداد نموده‌اند (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۶). در خصوص مناسبات مقررات عام و وضعیت‌های موردی مذکور در صلاحیت ذاتی شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی، امکان ارائه‌ی دو تفسیر وجود دارد؛ نخست آن که

احصاء مندرج در ماده‌ی ۴ از باب حصر است؛ مطابق با این تفسیر، مقرره‌ی گفته شده در مقام توضیح و روشن‌سازی ماده‌ی ۳ که به نقض حقوق بین‌الملل اشاره دارد، آمده است. تفسیر دیگر متضمن آن است که احصاء مذکور در ماده‌ی ۴ تنها از باب تمثیل است؛ گزاره‌های منطقی و حکم عقل با توجه به اصول تفسیر به نفع متهم و قانونی بودن جرایم و مجازات نیز اقتضا دارد که قائل به تمثیلی بودن موارد مذکور در ماده‌ی ۴ باشیم (see: Shahabuddeen, 2004). با این حال، در حدود این سه سال فعالیت دادگاه تاکنون، مسأله‌ای پیش نیامده است که مستلزم ارائه‌ی تفسیر رسمی از سوی دادگاه ویژه سنگال باشد؛ اما با نگاهی به پیشینه‌ی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، می‌توان گفت که ارائه و اعمال تفسیر اخیرالذکر محتمل‌تر است.

### ۱-۱. ژنوساید

ژنوساید<sup>۱</sup> که به عنوان فجیع‌ترین جرم (Schabas, 2000: 14) و شنیع‌ترین جنایت بین‌المللی شناخته شده است (شریفی، ۱۳۹۰: ۷۱)، نخستین بار توسط رافائل لمکین<sup>۲</sup> وضع شد (see: Lemkin, 1944)؛ پیش‌تر وینستون چرچیل<sup>۳</sup> آن را «جنایت بی‌نام»<sup>۴</sup> خوانده بود (Kuper, 1981: 12). نسل‌زدایی نسبت به دیگر جنایات بین‌المللی دو وجه ممیزه‌ی بارز دارد؛ نخست این که دارای دو جنبه‌ی حقوقی و کیفری است و دیگر این که، احراز آن مستلزم تحقق هر دو عنصر مادی و معنوی است (Behrens and Henham, 2013: 173). جنایت نسل‌زدایی در اسناد مختلف و به طور خاص و جامع‌تر در کنوانسیون منع و مجازات جنایت

#### 1. Genocide

در ادبیات موضوعه‌ی حقوق بین‌الملل، واژه‌ی «نسل‌زدایی» برگردان واژه 'Genocide' است که در فارسی بعضاً از آن به «ژنوساید»، «جنوساید» یا «نسل‌کشی» یاد شده است. در این میان، واژه‌ی فارسی «نسل‌زدایی» که می‌تواند به درستی بار معنایی این مفهوم را به بار آورد، در نوشتار پیش‌رو ارجح دانسته شده است. جهت ملاحظه‌ی نظری که لفظ «ژنوساید» را مناسب‌تر می‌بیند، بنگرید به: عزیزی، ۱۳۸۵: ۲۰۰-۲۳۲. عده‌ای هم تفاوتی میان آن‌ها قائل نمی‌باشند (بنگرید به: شریفی، ۱۳۹۰: ۶۹).

#### 2. Raphael Lemkin

#### 3. Winston Churchill

#### 4. The Crime Without a Name

نسل‌زدایی<sup>۱</sup> (۱۹۴۸) و حقوق بین‌الملل عرفی منع شده (Brunn, 1993: 225) و به عنوان قاعده‌ی آمره شناخته شده است (عزیزی و حاجی، ۱۳۹۰: ۴۵). نسل‌کشی در اساس‌نامه و رویه‌ی مراجع قضایی بین‌المللی کیفری از جمله دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا<sup>۲</sup> و دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۳</sup> جرم‌انگاری شده است (Mettraux, 2006: 200).

ارتکاب این جنایت مستلزم آن نیست که حتماً در مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی یا غیربین‌المللی تحقق یابد. اتحادیه‌ی آفریقایی و سنگال طی موافقت‌نامه‌ای که به مثابه اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی میان خود منعقد کردند، نسل‌زدایی را به گونه‌ای عبارت‌پردازی نمودند<sup>۴</sup> که پیش‌تر در اساس‌نامه‌های محاکم بین‌المللی کیفری پیش‌گفته و به ویژه دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۵</sup> آمده بود. به موجب اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده آفریقایی، نسل‌زدایی متضمن آن است که هر یک از اقدامات ذیل به قصد نابودسازی تمام یا بخشی از گروه‌های ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب یابد؛ کشتن اعضای یک گروه، ایراد آسیب شدید جسمانی یا صدمه‌ی شدید روحی به اعضای گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت‌های نامناسب زندگی که منجر به زوال قوای جسمانی آن‌ها به صورت کلی یا جزئی شود، اقداماتی که با هدف جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه صورت پذیرد؛ یا انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر<sup>۶</sup>.

با توجه به این مهم که در صورت وحدت عنوان و تفاوت محتوا، بدون تردید مقرره‌ی واحد نخواهد بود (ستایش‌پور، ۱۳۹۴: ۴۹)، مطالعه‌ی تطبیقی مفاد و مقرره‌های مربوط به نسل‌زدایی در اساس‌نامه‌های محاکم پیش‌گفته و به ویژه دیوان

1. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 9 December 1948, 78 UNTS 277.

2. International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR)

3. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)

4. Statute of the Extraordinary African Chambers, Art.5

5. International Criminal Court (ICC)

6. ICC Statute, 1998: Art. 6

7. Statute of the Extraordinary African Chambers, Art. 5

بین‌المللی کیفری بدان‌گونه که در ماده‌ی ۶ اساس‌نامه این مرجع قضایی آمده است، گواه از آن دارد که همه‌ی آن‌ها برگرفته از اندیشه‌ای واحد است و نه تنها عنوان مشابه است، بلکه به لحاظ محتوایی نیز درصدد بیان یک مطلب واحدند<sup>۱</sup>.

### ۱-۲. جنایت علیه انسانیت

جنایت علیه انسانیت کهن‌ترین گزاره‌ی داخل در صلاحیت محاکم بین‌المللی کیفری و موسع‌ترین آن‌ها است که از زمان تأسیس نخستین محاکم بین‌المللی کیفری مطرح نظر قرار گرفته است (Nadya Sadat, 2011: 215). در این میان دادگاه‌های نظامی نورمبرگ و توکیو<sup>۲</sup>، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا، هیأت رئیسه‌ی تیمور شرقی، دادگاه ویژه‌ی سیرالئون<sup>۳</sup>، شعب فوق‌العاده‌ی کامبوج<sup>۴</sup> و دیوان بین‌المللی کیفری بدین مقوله پرداخته‌اند. تدوین‌کنندگان اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی، از پیشینه‌ی مفهومی و محتوایی مقررهی جنایت علیه بشریت در محاکم بین‌المللی کیفری الهام گرفته‌اند؛ ولی این بار بر خلاف آن چه که در خصوص نسل‌زدایی بیان شد، از شیوه‌ی به اصطلاح کپی-الحاق<sup>۵</sup> استفاده نشده است. منظور از این شیوه، آن است که تنظیم‌کنندگان یک سند اعم از اساس‌نامه یا کنوانسیون، از پیشینه‌ی اسنادی استفاده می‌کنند و عیناً مطالبی را بدون دخل و تصرف شکلی و بدون آن که به سند مورد اقتباس اشاره‌ای نمایند، در سند خود درج کنند. اعمال این شیوه را امری بسیار پسندیده دانسته‌اند (Ahlborn, 2012: 65 and 66).<sup>۶</sup> به شرط آن‌که، به اقتضای شرایط و اوضاع و احوال موضوع مورد بحث باشد نه این که کورکورانه

1. ICC Statute, 1998: Art. 6
2. Nuremberg Trials
3. Special Court for Sierraleone
4. Extraordinary African Chambers in the Courts of Cambodia
5. Copy-paste method
6. Available at: <http://www.sharesproject.nl/publication/the-use-of-analogies-in-drafting-the-articles-on-the-responsibility-of-international-organizations-an-appraisal-of-the-copy-paste-approach/>



تقلید شود. از مصادیق اعمال این شیوه، مجموعه مواد ۲۰۱۱ میلادی کمیسیون حقوق بین‌المللی در خصوص مسؤولیت سازمان‌های بین‌المللی است؛ سندی که از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل به عنوان رکن فرعی مجمع عمومی این سازمان که رسالت تدوین و توسعه‌ی تدریجی حقوق بین‌الملل را بر عهده دارد<sup>۱</sup> تنظیم و نگارش شده است (ARIO, 2011). به کارگیری شیوه‌ی کپی-الحاق در تنظیم اسناد بین‌المللی، از آن جهت پسندیده است که می‌تواند موجب وحدت مقرره‌های و قابلیت پذیرش مفاد آن شود. هم‌چنین امکان مطالعه‌ی تطبیقی آن را فراهم می‌کند که نتیجه‌ی آن، فراهم نمودن بهبود وضعیت مقررره به لحاظ شکلی و محتوایی است (Ahlborn, 2012: 65-66). گفتنی است که شاکله‌ی اصلی جنایت علیه بشریت وارد در صلاحیت شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی همان شاکله‌ی به کارگرفته شده از سوی تنظیم کنندگان ماده‌ی ۷ اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری است<sup>۲</sup>؛ با این همه نباید از تفاوت‌های موجود چشم پوشید. در این باره تفاوت‌های قابل توجهی مشاهده می‌شود که در ادامه تبیین و تحلیل می‌گردد. طبق ماده‌ی ۶ اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی، این مرجع مأمور شده است به وضعیت جنایت علیه بشریت به مثابه جرمی مستقل که در صلاحیت دادگاه ویژه سنگال قرار دارد بپردازد و آن را نظم دهد و نسق بخشد (Cellamare and Ingravallo, 2018: 147). مطابق این ماده، جنایت علیه بشریت متضمن اعمالی است که در چارچوب یک حمله‌ی گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی صورت پذیرد. این اعمال عبارتند از: تجاوز، برده‌داری جنسی، تن‌فروشی اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی که از این شدت برخوردار باشد؛ قتل، نابودسازی، اخراج، تبعیض نژادی، برده‌داری یا اعدام‌های خودسرانه‌ی گسترده و سازمان‌یافته، آدم‌ربایی اشخاص و ناپدیدسازی اجباری آن‌ها، شکنجه یا اعمال غیرانسانی که به عمد موجب رنج شدید یا ایراد صدمه‌ی جدی به سلامتی بدنی، جسمانی یا روحی در خصوص مسائل سیاسی، نژادی، ملی، اخلاقی، فرهنگی، مذهبی یا جنسی

1. <http://legal.un.org/ilc/intro.shtml>

2. ICC Statute, 1998: Art. 7

شود<sup>۱</sup>. مطالعه‌ی تطبیقی ماده‌ی ۷ اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری و ماده‌ی ۶ اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده آفریقایی، نشان از آن دارد که نخستین تفاوت در صدر ماده است؛ به این شرح که ماده‌ی ۷ اساس‌نامه‌ی رم شرط با «علم به حمله» را قید نموده است<sup>۲</sup>. این شرط در ماده‌ی ۶ اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی نیامده است. برخی از حقوق‌دانان، علم به حمله را به عنوان یک نوع قصد خاص تلقی کرده‌اند، اما بر اساس عناصر تشکیل دهنده‌ی جرایم، علم مرتکب نسبت به همه‌ی ویژگی‌های حمله یا جزئیات دقیق نقشه یا طرح دولت یا سازمان ذی‌ربط را ضروری نمی‌دانند (شبث، ۱۳۸۴: ۵۳).

در مقایسه‌ی اعمال داخل در دامنه‌ی جنایت علیه بشریت تحت صلاحیت دادگاه ویژه سنگال با احصاء همین جنایت تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری تفاوت‌های نگارشی وجود دارد و هم‌چنین می‌توان نظاره‌گر تفاوت‌های ماهوی هم بود. افزون بر این، بارداری اجباری در بند ح از ماده‌ی ۷ اساس‌نامه‌ی رم آمده است (Byron, 2009: 154 and 259)؛ در حالی که بارداری اجباری در زمره‌ی موارد مشمول جنایت علیه بشریت در اساس‌نامه‌ی دادگاه سنگال ذکر نشده است. هم‌چنین بند ج ماده‌ی ۷ اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری تنها به برده‌داری اشاره دارد؛ حال آن که، در بند ز ماده‌ی ۶ اساس‌نامه‌ی دادگاه سنگال، افزون بر برده‌داری، به اعدام‌های خودسرانه‌ی گسترده و سازمان‌یافته هم توجه شده است<sup>۳</sup>. گفتنی است آدم‌ربایی و ناپدیدسازی اجباری ذیل همین بند آمده است؛ اما در اساس‌نامه‌ی رم تنها به ناپدیدسازی اجباری اشاره شده است. هم‌چنین بند ک اساس‌نامه‌ی رم (۱۹۹۸)، به طور کلی به اقدامات غیرانسانی عمدی اشاره دارد که موجب رنج شدید یا ایراد صدمه‌ی جدی به سلامتی بدنی، روحی یا جسمی می‌شود. در بند ز همین ماده، به شکنجه اشاره شده است (ICC Statute, 1998: Art. 7). حال آن که در بند ح اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده، شکنجه یا اقدامات

1. Statute of the Extraordinary African Chambers, Art. 6

2. ICC Statute, 1998: Art. 7

3. Byron, 2009: 256; Inter-American Commission on Human Rights, Judgment, 1997: para. 161

غیرانسانی ذیل یک بند آمده‌اند. تفاوت دیگر مربوط به ذیل بند همین ماده در اساس‌نامه‌ی رم است که به اخراج یا انتقال اجباری جمعیت اشاره کرده است؛ حال آن که در اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده، به ذکر «اخراج» بسنده شده است (Statute of the Extraordinary African Chambers, Art. 6).

### ۳-۱. جنایت جنگی

جنایت جنگی بر خلاف دیگر موارد مذکور، باید در سیاق جنگ و به تعبیری مخاصمه‌ی مسلحانه ارتکاب یابد و لذا در صلاحیت محاکمی که علل تأسیس یا زمینه‌ی تکوین آن‌ها مخاصمه‌ی مسلحانه از هر نوع آن نبوده است، نظیر دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا و دادگاه ویژه لبنان<sup>۱</sup> قرار ندارد؛ چرا که به حکم عقل، سخن به میان آوردن از جنایت جنگی در مواردی که اصلاً جنگ در نگرفته است، عبث است؛ حال آن که ارتکاب نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت متوقف بر وقوع مخاصمه‌ی مسلحانه نیست (Pajic, 2014: 238) و چنان‌چه نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت در زمان جنگ ارتکاب یابد، ذیل جنایت جنگی بررسی می‌شود (Boot, 2002: 11-13).

تنظیم‌کنندگان اساس‌نامه‌ی دادگاه ویژه سنگال در درج جنایات جنگی داخل در دامنه‌ی صلاحیت ذاتی این مرجع قضایی، از روش کپی-الحاق به آن گونه که پیش‌تر در همین جستار بدان پرداخته شد استفاده کرده‌اند. کاربست روش کپی-الحاق به مثابه یکسانی مفاد نیست، بلکه تفاوت‌هایی که به اقتضای قضیه‌ی مطروح است، در آن موجود است که موجب تمایز آن از سند یا مجموعه‌ی اسناد مورد کپی-الحاق می‌گردد. جنایت جنگی بدان‌گونه که در اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی آمده است، واجد یک تفاوت اساسی با جنایت جنگی در اساس‌نامه‌های دیگر محاکم بین‌المللی کیفری و به طور ویژه دیوان بین‌المللی کیفری است و آن، درج تروریسم ذیل عنوان جنایت جنگی داخل در دامنه‌ی

1. Also See: Byron, 2009: 218 ;ICTY Trial Judgment, 2001: para. 521

2. Special Tribunal for Lebanon

صلاحیتی دادگاه ویژه سنگال است؛<sup>۱</sup> این در حالی است که اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری بر صلاحیت این دیوان برای رسیدگی به جرم تروریسم تصریح نکرده است.<sup>۲</sup> مطالعه‌ی محاکم بین‌المللی کیفری گویای آن است که تا پیش از تأسیس دادگاه سنگال، تنها محکمه‌ی بین‌المللی کیفری که از صلاحیت رسیدگی به تروریسم برخوردار بوده، دادگاه ویژه لبنان می‌باشد. این دادگاه تنها از صلاحیت رسیدگی به تروریسم ناشی از بمب‌گذاری برخوردار است و نه دیگر اشکال تروریسم (Alamuddin, et. al., 2014: 270 and 275)؛ این در حالی است که در دنیای کنونی، تروریسم به انحاء گوناگون متصور است و تکثر انواع تروریسم موجب شده است که به طور رسمی و در اسناد بین‌المللی تعریف جامعی مورد پذیرش قرار نگیرد (Walter, 2004: 28-30). به رغم آن که رسیدگی به تروریسم در صلاحیت دادگاه ویژه سنگال آورده شده است، اما تعریف جامع و روشنی از آن ارائه نشده است (O'Keefe, 2015: 592). این اجمال و به تعبیر دقیق‌تر ابهام می‌تواند موجب گزینش‌گری و سلیقه‌ای عمل کردن شود؛ امری که بستر نقض حقوق بشر را فراهم می‌آورد و قابل توجیه نمی‌باشد.

#### ۱-۴. شکنجه

از دیگر موارد داخل در دایره‌ی صلاحیت ذاتی دادگاه یاد شده که سابقه‌ی طولانی در دیگر محاکم بین‌المللی کیفری دارد و به تأسی از آن‌ها نگاشته شده است، شکنجه به مثابه یک جرم مستوجب مجازات است. بند ۶ ماده‌ی ۶ اساس‌نامه، شکنجه و اقدام غیرانسانی را که به عمد موجب رنج شدید<sup>۳</sup> و صدمه‌ی جدی<sup>۴</sup> به سلامتی روانی یا بدنی شود، در دامنه‌ی جنایت علیه بشریت دانسته است<sup>۵</sup> به رغم آن که با آوردن واژه‌ی «جدی»، آستانه‌ی بالایی برای این رنج و درد در نظر گرفته است، اما ایجاد این رنج و صدمه‌ی جدی را از طرق گوناگون از جمله اقدامات

1. Statute of the Extraordinary African Chambers, Art. 7(2)(d)
2. ICC Statute, 1998: Art. 8
3. Great Suffering
4. Serious Injury
5. Statute of the Extraordinary African Chambers, Art.6(g)

سیاسی، نژادی، ملی، اخلاقی، فرهنگی، مذهبی یا جنسیتی میسور دانسته است (O'Keefe, 2015: 468).

تنظیم کنندگان اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی در تبیین موارد داخل در صلاحیت ذاتی این شعب، یک مورد خاص را به شکنجه اختصاص داده و به صراحت «شکنجه» را در صلاحیت ذاتی دادگاه ویژه سنگال دانسته‌اند. هم‌چنین پیش‌تر و در ماده‌ی ۶ سند مذکور، ذیل تبیین جنایت علیه بشریت بدان‌گونه که در صلاحیت دادگاه مطروح باشد، به شکنجه نیز اشاره شده است (Stork, 2017: 380). در خصوص آستانه‌ی امکان رنج و صدمه‌ی جدی، تحقق آن از طرق گوناگون میسور دانسته شده، چرا که حرف «یا»ی مذکور پیش از بیان آخرین مورد، نشان از آن دارد که رابطه‌ی هر یک از این طرق، استینافی نیست و لذا تحقق این رنج و صدمه‌ی جدی می‌تواند از رهگذر هر یک از اقدامات سیاسی، نژادی، ملی، اخلاقی، فرهنگی، مذهبی یا جنسیتی به تنهایی باشد؛ افزون بر آن که بند ۶ اساس‌نامه شعب فوق‌العاده به شکنجه پرداخته است. ماده‌ی ۸<sup>۱</sup> اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی به عنوان آخرین ماده‌ای که به مقوله‌ی صلاحیت ذاتی این دادگاه پرداخته است، شکنجه را مستقلاً مطرح می‌کند (Statute of the Extraordinary African Chambers, Art. 8). به موجب این ماده، عبارت «شکنجه» شامل هر عملی است که متضمن درد<sup>۲</sup> یا رنج<sup>۳</sup> شدید<sup>۴</sup> به روح یا جسم باشد و به طور عمدی وارد شود. مطابق با همین ماده، هیچ یک از وضعیت‌های جنگ، تهدید به جنگ، عدم ثبات سیاسی داخلی یا دیگر موارد مشابه را نمی‌توان توجیه یا استثنایی برای اعمال شکنجه دانست. از عبارت‌پردازی‌های اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده در خصوص شکنجه، استنباط

۱. جهت ملاحظه برگردان انگلیسی این اساس‌نامه بنگرید به:

Statute of the Extraordinary African Chambers (2002). Unofficial translation to English by Human Rights Watch. Available at: [http://www.forumchambresafri-aines.org/docs/Statute\\_of\\_the\\_Extraordinary\\_African\\_Chambers.pdf](http://www.forumchambresafri-aines.org/docs/Statute_of_the_Extraordinary_African_Chambers.pdf)

2. Pain

3. Suffering

4. Severe

می‌شود که احراز جرم شکنجه از چند مبنای ثبوتی در این دیوان برخوردار است؛ نخست، حقوق بین‌الملل؛ چرا که منع شکنجه در کنوانسیون جهانی منع شکنجه آمده که کمیته‌ی منع شکنجه نیز ناظر بر آن است. چاد در سال ۱۹۹۵ میلادی این معاهده را تصویب کرده است (<http://indicators.ohchr.org>) و گفته‌اند که صرف نظر از تبدیل منع شکنجه به قاعده‌ی حقوق بین‌الملل عرفی، باید بدان پای‌بند بود (ممتاز، ۱۳۹۳).<sup>۱</sup> این همان روشی است که دیگر محاکم بین‌المللی کیفری و به خصوص دیوان بین‌المللی کیفری نیز در آن مسیر گام برداشته‌اند. دادگاه ویژه سنگال با کپی و الحاق، سعی در تنظیم مقرره‌هایی متنقن در مقابله با بی‌کیفرمانی داشته است که سرمنشأ آن به وسواس در لزوم کیفر و تشفی خاطر قربانیان و هر آن کس است که به نحوی آزرده خاطر شده است.

## ۲. صلاحیت‌های شخصی دادگاه ویژه سنگال

مطالعه‌ی صلاحیت‌های مرجع قضایی بین‌المللی بدون پرداختن به صلاحیت شخصی، عبث خواهد بود؛ چرا که در جامعه‌ی کنونی بین‌المللی که بیشتر مبتنی بر حقوق وضعی است، باید به طور دقیق تصریح شود که کدام شخص یا اشخاص را می‌توان در مرجع قضایی مطروح به پای میز محاکمه کشانید. منظور از صلاحیت شخصی، آن است که دادگاه از صلاحیت رسیدگی به چه شخص یا اشخاصی اعم از حقوقی یا حقیقی برخوردار است. دادگاه ویژه سنگال به لحاظ صلاحیت شخصی نیز محدودیت دارد و این امر در دیگر محاکم بین‌المللی کیفری موقت از جمله دادگاه ویژه لبنان نیز به چشم می‌خورد. دادگاه ویژه لبنان تنها صلاحیت رسیدگی به شخص یا اشخاصی را دارد که در ترور رفیق حریری به صورت مباشرت یا مشارکت نقش داشته یا به دیگر انحاء هم‌دستی کیفری نموده باشند (Bassiouni, 2008: 189). دادگاه ویژه سنگال در اعمال صلاحیت شخصی، محاکمه‌ی حیسن هابره را در بیستم جولای ۲۰۱۵ آغاز نمود و در مه ۲۰۱۶ وی را برای جرایم شدید بین‌المللی محکوم به حبس ابد نمود.<sup>۲</sup> در رأی دیوان آمده

1. See: <http://medlaw.sdil.ac.ir>

2. See: <https://www.hrw.org/news/2017/04/27/senegal/chad-court-upholds-habre->

است که هابره مرتکب جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، شکنجه، تجاوز و برده‌داری جنسی شده است.<sup>۱</sup> به محض آن که رأی دادگاه در خصوص پرونده هابره و هم‌دستان او نهایی و اجرا شود، شعب دادگاه ویژه سنگال خود به خود تعطیل خواهد شد. در واقع، این دادگاه نظیر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری اختصاصی که تا به امروز تأسیس شده‌اند، جنبه‌ی دائمی ندارد. البته با توجه به طولانی بودن فرایند رسیدگی در دادرسی‌های بین‌المللی کیفری، این امر به زودی محقق نخواهد شد و به درازا خواهد انجامید.

### ۳. صلاحیت مکانی

در میان محاکم بین‌المللی کیفری که تعدادشان چندان کم نیست، تنها دیوان کیفری بین‌المللی در گستره‌ی جهانی از صلاحیت بین‌المللی برخوردار است و دیگر محاکم، در یک منطقه و محدوده‌ی مکانی خاص واجد صلاحیت بین‌المللی می‌باشند. صلاحیت محاکم بین‌المللی کیفری نسل‌های اول تا سوم که همگی موقتی هستند، محدود به جرایمی است که در یک حیطه‌ی جغرافیایی خاص ارتکاب یافته است و این حیطه‌ی جغرافیایی که باید در اساس‌نامه‌ی آن مرجع ذکر شود، صرف نظر از مقری است که برای دادگاه در نظر گرفته می‌شود. به موجب ماده‌ی ۳ اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی، صلاحیت این دادگاه به لحاظ جغرافیایی محدود به جرایم ارتکابی در سرزمین چاد است (Statute of the Extraordinary African Chambers, Art.3) و این پهنه‌ی مکانی به اقتضای رسالت پیش‌بینی شده برای این دادگاه مقرر شده است.

### ۴. صلاحیت زمانی

هیچ یک از دادگاه‌هایی که تاکنون پا به منصفی ظهور گذاشته‌اند، از صلاحیت زمانی بی قید و شرط و نامحدود برخوردار نیستند و محدودیت زمان

conviction

1. See: <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2016/05/hissene-habre-verdict-landmark-decision-brings-justice-for-tens-of-thousands-of-victims/>

صلاحیت آن‌ها به دو شکل بروز یافته است؛ گاه دادگاه از صلاحیت رسیدگی به جرایمی که در یک بازه زمانی مشخص ارتکاب یافته است برخوردار می‌باشد و در مواردی هم مانند آن‌چه در خصوص صلاحیت زمانی دیوان بین‌المللی کیفری مشاهده می‌شود، رسیدگی به جنایات تحقق یافته در صلاحیت دادگاه قرار گرفته است. این موضوع در اساس‌نامه‌ی هر محکمه‌ی بین‌المللی کیفری باید درج شود و از جمله، دیوان بین‌المللی کیفری است که صلاحیت رسیدگی به جرایمی را واجد است که از زمان لازم‌الاجرا شدن سند تأسیسی آن در یکم جولای ۲۰۰۲ به بعد ارتکاب یافته باشد (Schabas, 2016: 360). این امر را نتیجه‌ی بدیهی و بسیار روشن اصل قانونی بودن جرم و مجازات دانسته‌اند (Hallevy, 2010: 1). در واقع، حقوق بشر اقتضا دارد که جرم و مجازات به صورت قانونی باشد. از اصل پیش‌گفته دو قرائت ارائه شده است: بنا بر قرائت مضیق، اصل قانونی بودن جرم و مجازات تنها به دو محور جرم و مجازات محدود می‌شود و لذا هیچ عملی جرم نیست مگر این که تصریح حقوقی لازم‌الاجرا در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل، داشته باشد. قرائت موسع از این اصل، تنها دایرمدار دو محور جرم و مجازات نیست و متوجه صلاحیت محاکم نیز می‌باشد (میلانی، ۱۳۸۷: ۱۵۸). مطابق با قرائت موسع از اصل پیش‌گفته که گویای مفهوم عام آن است، احراز صلاحیت محاکم بین‌المللی کیفری اقتضا دارد که صلاحیت دادگاه‌ها به موجب حقوق لازم‌الاجرا مشخص شده باشد (Namakula, 2013: 64). به رغم آن که اصل قانونی بودن جرم و مجازات از اصول پذیرفته شده در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شود، اما در هیچ یک از محاکم بین‌المللی کیفری موقت یعنی نسل‌های اول، دوم و سوم این دادگاه‌ها مورد متابعت قرار نگرفته است؛ چرا که این دادگاه‌ها پس از ارتکاب جرایم و با چندین سال فاصله‌ی زمانی شکل گرفته و شروع به فعالیت کرده‌اند و لذا در زمان ارتکاب جرایم، چنین دادگاه‌هایی تاسیس نشده و وجود آنان موضوعیت نداشته است (Leang and Smith, 2016: 147 and 148). به طور مثال، شعب فوق‌العاده‌ی کامبوج که برای محاکمه‌ی جنایات ارتکابی از ناحیه‌ی خمرهای سرخ تشکیل شد، با متهمانی مواجه بود که از کهولت سن فوت شده یا بسیار فرتوت و مسن بودند. مواد ۱ و ۳ اساس‌نامه‌ی شعب فوق‌العاده‌ی آفریقایی، گویای آن است



که این دادگاه به لحاظ زمانی از صلاحیت رسیدگی به جرایمی برخوردار است که در دوران ریاست جمهوری حیسن هابره یعنی بازه هفتم ژوئن ۱۹۸۲ تا یکم دسامبر ۱۹۹۰ ارتکاب یافته است؛ این در حالی است که در هفدهم دسامبر ۲۰۱۲ میلادی، قانون تأسیس این شعب توسط مجلس ملی سنگال تصویب شده است و لذا دادگاه موضوع بحث دوازده سال پس از ارتکاب آخرین جنایات در سال ۱۹۹۰ میلادی شکل گرفته است و بدون تردید مفاد اساس‌نامه‌ی آن از نظر صلاحیت زمانی، مغایر با اصل قانونی بودن جرم و مجازات محسوب می‌شود.

مغایرت صلاحیت زمانی با اصل قانونی بودن جرم و مجازات در تمامی محاکم نسل‌های اول، دوم و سوم وجود دارد و این اصل تنها در دیوان بین‌المللی کیفری رعایت شده است. به همین جهت، دیوان بین‌المللی کیفری از صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی در چاد برخوردار نیست؛ چرا که جرایم ارتكابی در این کشور در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ میلادی وقوع یافته است؛ حال آن که دیوان تنها صالح برای رسیدگی به جرایمی است که پس از یکم جولای ۲۰۰۲ ارتکاب یافته باشد (Schabas, 2016: 360).

در توجیه مغایرت تأسیس و عملکرد محاکم پیش گفته با اصل قانونی بودن جرم و مجازات، انتقادات و توجیه‌های زیادی صورت گرفته است که در مجموع می‌توان گفت توجیه آن بر مبنای حقوق بشر و حقوق طبیعی پذیرفته‌تر از انکار این دادگاه‌ها است؛ چرا که به رغم کاستی‌ها، مشکلات، نقایص و معایبی که دارند، گام‌هایی به سوی مبارزه با بی‌کیفرمانی و تضمین صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند. شناخت این کاستی‌ها و اشراف بر مزایا می‌تواند جامعه‌ی بین‌المللی را به عدالت از رهگذر دادگستری نزدیک‌تر کند. یکی از این طرق، انگاره‌ها و آموزه‌های حقوقی است که در آثار حقوقی متبلور می‌گردد و هیچ یک نباید خود را نادیده انگارند و تمام این‌ها به مانند ظروفی تو در تو و مرتبط می‌رود که بسستر را برای تحقق این امر فراهم سازد.

### برآمد

۱- دادگاه ویژه سنگال آخرین مرجع قضایی برخوردار از صلاحیت بین‌المللی است که تا به امروز تأسیس شده است. این دادگاه که به موجب موافقت‌نامه‌ی ۲۰۱۲ میان اتحادیه آفریقا و سنگال در سال ۲۰۱۳ بر پا گردیده، در صدد مقابله با بی‌کیفرمانی جنایات ارتكابی در زمان ریاست جمهوری پیشین چاد است. این سازکار نو به مثابه ابزاری است که نبود یا نقص آن در گستره‌ی فراسرزمینی به شدت محسوس است.

۲- دادگاه ویژه سنگال به واسطه‌ی رسالتی که برای آن ترسیم شده است، به لحاظ صلاحیتی شخصی، تنها به جنایاتی رسیدگی می‌کند که حیسن هابره رئیس جمهور پیشین کشور چاد و هر کس که به نحوی از انحاء در این مسیر به وی مساعدت نموده، مرتکب شده است.

۳- به لحاظ زمانی، صلاحیت دادگاه ویژه سنگال تنها بر جنایاتی متمرکز است که در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ میلادی یعنی زمان تصدی سمت ریاست جمهوری حیسن هابره ارتکاب یافته است.

۴- به لحاظ مکانی، تنها جنایاتی داخل در صلاحیت دادگاه ویژه سنگال است که در چاد واقع شده باشد و لذا جنایاتی که از سوی حیسن هابره در کشور دیگر تحقق یافته است را در بر نمی‌گیرد.

۵- به لحاظ ذاتی، صلاحیت این دادگاه متمرکز بر چهار جنایت شکنجه، نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی است. اتحادیه‌ی آفریقا و سنگال که اساس‌نامه این دادگاه را تنظیم کرده‌اند، کوشیده‌اند تا عناوین عامی برای آن جنایات ارتكابی بیابند.

۶- در راه تدوین اساس‌نامه این مرجع قضایی از شیوه و رویکردی استفاده شده است که پیش‌تر کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه‌ی تدریجی حقوق بین‌الملل، آن را در تنظیم پیش‌نویس‌های خود به کار بسته است. کاربست این معیار به شرط آن که به فراخور و با توجه به اقتضائات خاص هر قضیه باشد، بسیار شایسته است. این روش به مثابه تقلید نیست و استفاده صحیح از این شیوه هرگز به این همانی نمی‌انجامد بلکه به شباهت هر

چند بسیار زیاد منتهی می‌شود. تفاوت‌های موجود به جهت تفاوت در مآقع ماجرا است و شباهت برخاسته از وحدت روح حاکم می‌باشد. بهره جستن از این گفتمان می‌تواند به وحدت رویه‌ی قضایی به عنوان منبع فرعی حقوق بین‌الملل و در نهایت به وحدت تقنین بیانجامد و یا دست کم در راه یک دست‌سازی تقنین در گستره‌ی فراسرزمینی گام بردارد.

۷- در پهنه‌ی فراسرزمینی کنونی که یک جامعه‌ی بین‌المللی مبتنی بر همکاری و همبستگی بدون قوه‌ی مقننه واحد دیده می‌شود، استفاده از ظرفیت‌های موجود از جمله کاربست معیار «کپی و الحاق» تا اندازه‌ی زیادی می‌تواند به وحدت قاعده‌سازی در گستره‌ی فراسرزمینی منتهی شود. رعایت این امر در اساس‌نامه‌نویسی دادگاه ویژه سنگال، امیدها را برای مقابله با بی‌کیفرمانی نور بخشیده و بشارت‌دهنده‌ی وحدت مقرره‌ای در زمینه‌ی حقوق بین‌الملل کیفری است.

### فهرست منابع

- رضوی فرد، بهزاد، *حقوق بین‌الملل کیفری*، تهران: میزان، ۱۳۹۰.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، «*تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال برای محاکمه حیسن‌ها بره: یک گام به جلو در راستای مبارزه با جنایات بین‌المللی*»، پژوهش‌نامه‌ی حقوق کیفری، سال چهارم، شماره‌ی ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و بهمنی، منصور، «*تحقق عدالت کیفری بین‌المللی در آفریقا؛ موانع و راهکارها*»، فصل‌نامه‌ی مطالعات حقوق عمومی، شماره‌ی نخست، بهار ۱۳۹۶.
- ستایش‌پور، محمد، *مسئولیت اشتقاقی در نظام مسئولیت بین‌المللی (با تأکید بر طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و طرح ۲۰۱۱ مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی)*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
- شبت، ویلیام، *مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی*، برگردان: سید باقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، تهران: جنگل، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
- شریفی، محسن، «*ارکان نسل‌زدایی در پرتو اسناد و رویه قضایی بین‌المللی*»، تعالی حقوق، شماره‌ی ۱۵، بهمن و اسفند ۱۳۹۰.
- عزیزی، ستار، *حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل*، تهران: نور علم، چاپ نخست، ۱۳۸۵.
- عزیزی، ستار و حاجی، محمد، «*تعامل بین ممنوعیت قراردادی نسل‌کشی و قاعده آمره ممنوعیت نسل‌کشی*»، مجله‌ی حقوقی بین‌المللی، شماره‌ی ۴۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
- قربان‌نیا، ناصر، *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۸۷.
- معظمی، شهلا و نمایان، پیمان، «*نسل‌سوم محاکم کیفری بین‌المللی؛ دستاوردها، هنجارها و چالش‌ها*»، مجله‌ی پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره‌ی ۱۱، تابستان ۱۳۹۴.

ممتاز، جمشید، «سلسله مراتب نظم حقوقی بین‌المللی»، گزارش نشست در خانه‌ی اندیشمندان علوم انسانی، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، پانزدهم مهرماه، ۱۳۹۳.

میلانی، علیرضا، «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در بس‌تر تاریخ»، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌های ۶۲-۶۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷.

Adjovi, Roland, *The Agreement on the Establishment of the Extraordinary African Chambers within the Senegalese Judicial System between the Government of the Republic of Senegal and the African Union and the Statute of the Chambers*, International Legal Materials, Vol. 52, No. 4, 2013.

Ahlborn, Christiane, *The Use of Analogies in Drafting the Articles on the Responsibility of International Organizations – An Appraisal of the ‘Copy-Paste Approach’*, International Organizations Law Review, Vol. 9, 2012.

Alamuddin, Amal; Nabil Jurdi, Nidal and Tolbert, David, *The Special Tribunal for Lebanon: Law and Practice*, Oxford University Press, 2014.

Bassiouni, M. Cherif, *International Criminal Law: International Enforcement*, Vol. 3, Martinus Nijhoff Publishers, 2008.

Behrens, Paul and Henham, Ralph, *Elements of Genocide*, Routledge, 2013.

Boot, Machteld, Genocide, Crimes Against Humanity, *War Crimes: Nullum Crimen Sine Lege and the Subject Matter Jurisdiction of the International Criminal Court*, Intersentia nv, 2002.

Brunn, Lori L, *Beyond the 1948 Convention – Emerging Principles of Genocide in Customary International Law*, Maryland Journal of International Law, Vol. 17, issue 2, 1993.

Byron, Christine, *War Crimes and Crimes Against Humanity in*

- the Rome Statute of the International Criminal Court*, Oxford University Press, 2009.
- Cellamare, Giovanni and Ingravallo, Ivan, *Peace Maintenance in Africa: Open Legal Issues*, Springer, 2018.
- Cryer, Robert, *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, Cambridge University Press, 2010.
- Darcy, Shane and Powderly, Joseph, *Judicial Creativity at the International Criminal Tribunals*, Oxford University Press, 2010.
- Dixon, Martin; Mc Corquodale, Robert and Williams, Sarah, *Cases and Materials on International Law*, Sixth edn, Oxford University Press, 2016.
- Fall, Mbacke, *The Extraordinary African Chambers: The Case of Hissene Habre*, Africa and the International Criminal Court, 2014.
- Ferencz, Benjamin, *From Nuremberg to Rome: A Personal Account in Mark Lattimer and Philippe Sands, Justice for Crimes Against Humanity*, Hart Publishing, 2003.
- Goss, Ryan, *Criminal Fair Trial Rights: Article 6 of the European Convention on Human Rights*, Bloomsbury Publishing Plc, 2016.
- Hallevy, Gabriel, *A Modern Treatise on the Principle of Legality in Criminal Law*, Springer Science and Business Media, 2010.
- Husak, Douglas, N, *The Philosophy of Criminal Law*, Oxford University Press, 2010.
- Kuper, Leo, *Genocide, Its Political Use in the Twentieth Century*, New Heaven: Yale University Press, 1981.
- Krieger, Heike, *The Kosovo Conflict and International Law: An Analytical Documentation 1974-1999*, Cambridge University

Press, 2001.

Ókeefe, Roger, *International Criminal Law*, Oxford University Press, 2015.

Leang, Chea and Smith, William, *The Early Experience of the Extraordinary African Chambers in the Courts of Cambodia in Roberto Bellelli*, International Criminal Justice: Law and Practice from the Rome Statute to Its Review, Routledge, 2016.

Lemkin, Raphael, *Axis Rule in Occupied Europe: Laws of Occupation, Analysis of Government, Proposals for Redress*, Washington: Carnegie Endowment for World Peace, 1944.

Mettraux, Guenael, *International Crimes and the Ad Hoc Tribunals*, Oxford, 2006.

Moura Vicente, Dario, *Towards a Universal Justice? Putting International Courts and Jurisdictions into Perspective*, Martinus Nijhoff Publishers, 2016.

Nadya Sadat, Leila, *Forging a Convention for Crimes against Humanity*, Cambridge University Press, 2011.

Namakula, Catherine S, *Language and the Right to Fair Hearing in International Criminal Trials*, Springer Science and Business Media, 2013.

Pajic, Zoran, *Reflections on the Lessons and Legacies of the ICTY: Rethinking Reconciliation in the Context of Transitional Justice*, in James Gow, Rachel Kerr and Zoran Pajic, Prosecuting War Crimes: Lessons and Legacies of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, Routledge, 2014.

Popa, Liliana E, *Patterns of Treaty Interpretation as Anti-Fragmentation Tools: A Comparative Analysis with a Special Focus on the ECtHR*, WTO and ICJ, Springer, 2018.

- Quigley, JohnN, *Palestine is a State so the Consent Declaration is a Valid Basis for Investigation by ICC*, in Richard H. Steinberg, Contemporary Issues Facing the International Criminal Court, Martinus Nijhoff Publishers, 2016.
- Stork, Joe, *Protection of Civilians: Experiences from the Middle East and North Africa*, in Dan Kuwali and Frans Viljoen, By All Means Necessary: Protecting Civilians and Preventing Mass Atrocities in Africa, Pretoria University Law Press, 2017.
- Schabas, William, *Genocide in International Law: The Crimes of Crimes*, Cambridge University Press, 2000.
- Shahabuddeen, Mohamed, *Does the Principle of Legality Stand in the Way of Progressive Development of Law?*, Journal of International Criminal Justice, vol. 2, 2004.
- Stahn, Carsten, *The Law and Practice of the International Criminal Court*, Oxford University Press, 2014.
- Walter, Christian, *Defining Terrorism in National and International Law*, in Christian Walter, Silja Vonkey, Volker Roben and Frank Schorkopf, Terrorism as a Challenge for National and International Law: Security Versus Liberty?, Springer, 2004.
- Weatherall, Thomas, *Jus Cogens: International Law and Social Contract*, Cambridge University Press, 2015.
- Werle, Gerhard and Jessberger, Florian, *Principles of International Criminal Law*, Oxford University Press, 2014.
- Werle, Gerhard; Fernandez, Lovell and Vormbaum, Moritz (2014). *Africa and the International Criminal Court*, Springer.
- Williams, Sarah, *The Extraordinary African Chambers in the Senegalese Court: An African Solution to An African Problem*, Journal of International Criminal Justice, vol. 11, 2013.



Assembly of Heads of States of the African Union (2006). ASSEMBLY/AU/DEC.127 (VII).

Human Rights Watch (2018). World Report: Events of 2017, Seven Stories Press.

ICJ (2015). Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Croatia v. Serbia), Judgment, 3 February.

ICTY (1998). Prosecutor v. Furundzija, IT-95-17/1-T.

ICTY (2001). Trial Judgment, Case no. IT-98-33-T.

ICTY (2009). Updated Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia.

ILC (2011). Report on the work of its sixty-third session, A/66/10, UNGAOR 66th Sess., Supp. No. 10. Draft Articles on Responsibility of International Organizations (ARIO).

Inter-American Commission on Human Rights (1997). Abella v. United States, Case 11.137, Report No. 55/97.

Rome Statute of the International Criminal Court (ICC), UN Doc. A/CONF.183/9 (1998).

Statute of the Extraordinary African Chambers (2002). Unofficial translation to English by Human Rights Watch.

<https://www.amnesty.org/en/latest/news/2016/05/hissene-habre-verdict-landmark-decision-brings-justice-for-tens-of-thousands-of-victims/> (Last visited: 17.06.04).

<http://www.chambresafricaines.org/> (Last visited: 18.02.20).

<https://www.hrw.org/> (Last visited: 18.02.20).

<http://www.icty.org/en/action/cases/4> (Last visited: 18.02.21).

<http://indicators.ohchr.org/> (Last visited: 17.06.03).

<http://legal.un.org/ilc/ilcintro.shtml> (Last visited: 17.06.03).

<http://www.sharesproject.nl/> (Last visited: 18.02.20).